



فرمان سه‌زبانۀ چینی - فارسی - اویغوری در دیوان سلسلۀ مینگ در

چین (۱۳۸۶ تا ۱۶۱۶ م / ۷۸۷ تا ۱۰۲۵ ق)*

محمدباقر وثوقی**

استاد گروه تاریخ دانشگاه تهران

چین بین بین

دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات چینی دانشگاه پکن

(از ص ۱ تا ۱۹)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۸/۳، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۱۲/۱۶

علمی - پژوهشی

چکیده

مراودات ایران و چین منحصر به روابط سیاسی-اقتصادی نیست. با حمله چنگیزخان به چین در اوایل قرن چهاردهم میلادی و روی کارآمدن سلسلۀ «یوان» (大元 Yuan - ۱۲۷۱ تا ۱۳۶۸ م)، شرایط جدیدی برای اقوام غیربومی چین به وجود آمد تا به نظام اداری-دیوانی این کشور وارد شوند. در واقع حاکمان مغولی با به‌کارگیری نیروهای غیربومی، امکان تداوم حیات سیاسی خود را در چین فراهم کردند. یکی از گروه‌های بزرگ قومی که طی این دوره به چین مهاجرت کردند یا کوچ داده شدند، فارسی‌زبانان ساکن ماوراءالنهر، خراسان و دیگر نقاط ایران بودند. این مهاجران در امور مختلف اداری و تجاری مشغول شدند و زبان فارسی نیز به تدریج به امور اداری و روابط خارجۀ چین راه یافت؛ به عبارت دیگر، زبان فارسی در چین از دو طریق نظام اداری سلسلۀ یوان و گروه‌های فارسی‌زبان گسترش یافت و به زبان میانجی اقوام مسلمان و زبان دینی یکی از گروه‌های قومی جدید به نام «هوی‌هوی» (回回 hui hui) تبدیل شد که از تبار همان مهاجران فارسی‌زبان بودند. این کاربرد در نظام اداری چین در دوره سلسلۀ مینگ (明朝 Ming - ۱۳۸۶ تا ۱۶۱۶ م / ۷۸۷ تا ۱۰۲۵ ق) ادامه یافت و برای ترجمۀ متون فارسی به چینی واحد اداری جدیدی در دیوان پادشاه به وجود آمد و اسناد بسیاری به زبان فارسی نوشته شد. فرمان سه‌زبانۀ چینی-فارسی-اویغوری که در این مقاله معرفی شده است، یکی از این اسناد فارسی دیوانی است که خطاب به یکی از بزرگان مسلمان شهر «یانجو» (Yangzhou 扬州) به نام «امیرحاجی» است. این مقاله ضمن معرفی پیشینه کاربرد زبان فارسی در امور اداری چین، فرمان سه‌زبانۀ موجود در موزۀ اقلیت‌های قومی پکن را مورد بررسی، بازخوانی و ارزیابی تاریخی قرار می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: چین، ایران، زبان فارسی، سلسلۀ مینگ، هوئی هوئی، فرمان سه‌زبانۀ.

*. از همکاری جناب آقای ابوالفضل دلخسته، دانشجوی کارشناسی زبان چینی دانشگاه شهید بهشتی، که در تطبیق ترجمه‌های فارسی و چینی با نویسندگان مقاله همکاری کردند، بی‌نهایت سپاسگزاری می‌کنیم.

۱. مقدمه

اگرچه پیشینهٔ مراودات بازرگانی و سیاسی بین ایران و چین به قرن دوم پیش از میلاد برمی‌گردد، اما با تسلط چنگیزخان و جانشینانش بر سرزمین چین و مهاجرت گستردهٔ فارسی‌زبانان ماوراءالنهر و خراسان و دیگر نواحی ایران به چین، دوره‌ای جدید از روابط فرهنگی این دو کشور شکل گرفت. مغولان برای ادارهٔ کشور پهناور چین از نیروی انسانی ساکن در نواحی مفتوح خود در ایران و بخش‌های شمالی چین استفاده کردند. این مهاجران به عنوان کارگزاران دولتی در دیوان‌ها و ادارات چین مشغول به کار شدند و از این‌رو، به‌تدریج زبان فارسی و اویغوری در نظام دیوانی مغولان در چین یا در سلسلۀ یوان به کار گرفته شد. با اتکای هرچه بیشتر حاکمان مغولی چین به دیوان‌سالاران ایرانی و اویغوری، خط اویغوری و فارسی به عنوان یکی از چند خط و زبان رایج در ادارات چین پذیرفته شد. لیو یینگ‌شنگ، استاد دانشگاه نانجینگ و متخصص تاریخ سلسلۀ یوان، دربارهٔ اقدامات قوییلای در این مورد می‌نویسد:

قوییلای خان برای آموزش مترجمان، مدرسهٔ زبان فارسی را با حمایت حکومت در دادو (大都 Dadu)، یکن کنونی، تأسیس کرد. براساس نظام یوان-مغولی، این مدرسهٔ فارسی، بخشی از آکادمی هان لین یوان (翰林院 Hanlin yuan) بود. ظاهراً پس از پایان یافتن حکومت قوییلای خان (۱۲۹۴-۱۲۶۰م)، تعداد شاگردان و کارمندان مدرسهٔ تدریس زبان فارسی کاهش یافت. امپراتور ژن زونگ (仁宗 Renzong) در سال ۱۳۱۴م/۷۱۳ق، فرمان ایجاد دوبارهٔ یک مقام رسمی، یعنی ناظر مدرسهٔ فارسی را صادر کرد تا بر تعلیم آموزش زبان فارسی در این مدرسه نظارت کند. مشهور است که نسخهٔ خطی یی سی تی فی (yisitifei 亦思替非) در آنجا آموزش داده می‌شد (Liu Yingsheng, 2010: 89)

مظفر بختیار در ۱۹۹۵م/۱۳۷۳ش، مقاله‌ای منتشر و در آن برای نخستین بار اثبات کرد که نسخهٔ خطی «yisitifei» که در متون دورهٔ سلسلۀ مغولی یوان بدان اشاره شده، در واقع چینی‌شدهٔ واژهٔ «استیفا» در زبان اداری ایران است و به کتابی اشاره دارد که در آن، قواعد حسابداری و مستوفی‌گری برای آموزش دیوانیان سلسلۀ یوان نوشته می‌شده است (Bakhtyar, 1995: 45-50). کاربرد زبان فارسی به عنوان یکی از زبان‌های اداری چین در دورهٔ سلسلۀ مینگ (明朝 Ming-۱۳۸۶ تا ۱۶۱۶م/۷۸۷ تا ۱۰۲۵ق) هم تداوم یافت و به این ترتیب، زبان فارسی به مدت ۳۴۵ سال به عنوان یکی از زبان‌های اداری کشور چین کاربرد داشته است. به دنبال رسمی شدن زبان فارسی در چین، اسناد و مدارک بسیاری در نظام اداری این کشور به زبان فارسی نوشته شد. بخش عمده‌ای از اسناد این دوره به سه زبان رسمی

(چینی، فارسی و اویغوری) نوشته شده و برخی از آن‌ها در موزه‌های چین یا در گنجینه‌های مساجد نگهداری می‌شود.

سند سه‌زبان‌های که در این مقاله معرفی می‌شود، یکی از مشهورترین فرمان‌های حکومتی دوره سلسله مینگ (۱۳۸۶-۱۶۱۶م/۷۸۷-۱۰۲۵ق) است که دو قطعه طوماری آن در شهرهای «یانجو» (Yangzhou 扬州) و «چوانجو» (Quanzhou 泉州) و رونوشت‌های کتیب‌های آن به زبان چینی در شهرهای مختلف موجود است. پیش از این، نوئر (Nu'er) بخش چینی این فرمان را نخستین‌بار در ۱۹۸۳م معرفی کرد (Nu'er, 1983: 5; 陈达生). سپس چن دا شنگ در ۱۹۸۴م بخش چینی فرمان را در کتاب خود بازنویسی کرده است (Chen Dasheng, 1984: 11-17; 陈达生, 1984: 11-17)؛ اما متن فارسی این طومار تاکنون قرائت و بازشناسی نشده است و در این مقاله برای نخستین‌بار بررسی می‌شود.

۲. زمینه‌های تاریخی کاربرد زبان فارسی در متون دیوانی چین

پژوهش درباره زبان فارسی در چین در ارتباط مستقیم با چگونگی شکل‌گیری یکی از اقوام مسلمان مشهور چین به نام «هوی‌هوی» (回回 hui hui) است. مسلمانان هوی‌هوی از لحاظ تاریخی و قومی، متمایز از مسلمانان ایالت شین جیانگ بوده و شکل‌گیری هویت قومی آنان با تاریخ گسترش دین اسلام از دو طریق جاده ابریشم و راه آبی دریایی و به‌ویژه گسترش فرهنگ ایرانی در چین مرتبط است. واژه هوی‌هوی در حال حاضر به یکی از پنجاه‌وپنج قوم به رسمیت شناخته‌شده از اقوام چین اطلاق می‌شود. به دنبال مهاجرت گسترده مسلمانان فارسی‌زبان از نواحی ماوراءالنهر و خراسان و دیگر مناطق ایران به چین و اسکان آنان، به تدریج جمعیتی مسلمان و فارسی‌زبان شکل گرفت و در نهایت جذب جامعه چین شد؛ از این قوم در فرهنگ چین با عنوان هویی‌هویی یاد می‌شود. مهاجرت اجباری گروه‌های بزرگ فارسی‌زبان به چین، در دوره نخست حملات چنگیزخان بوده است. لشکرکشی دامنه‌دار مغول در دوره چنگیزخان به چین نیز در سه بخش عمده نواحی شمالی به وقوع پیوست. بعد از اینکه چنگیزخان سرزمین‌های گسترده‌ای در شمال چین فتح کرد، در ۶۱۵ق، لشکرکشی خود را در ظاهر به بهانه انتقام کشته‌شدگان کاروان تجاری مغولان آغاز کرد و پس از فتح شهرهای آباد ناحیه ماوراءالنهر و خراسان، بسیاری از مردم ساکن آنجا و به‌ویژه اصناف و پیشه‌وران را برای بهره‌گیری در اداره امور به نواحی شرقی و شهرهای مختلف چین کوچانید. نمونه بارز این نوع کوچ

اجباری را می‌توان در حملات مغولان به خوارزم (جوینی، بی‌تا: ۱۰۱/۱) و نیشابور (همان: ۱۴۰) مشاهده کرد.^۱ عطاملک جوینی، مؤرخ مشهور دورۀ مغول، در مقدمۀ کتاب خود و در تبیین تحولات به‌وجودآمده بر اثر تهاجم مغولان دربارهٔ این جابه‌جایی بزرگ می‌نویسد:

و اکنون چندان مؤمن موحد روی بدان جانب نهاده است و تا اقصای دیار مشرق رسیده و ساکن و متوطن گشته که از حصر و احصاء تجاوز نموده است. بعضی آن است که به وقت استخلاص ماوراءالنهر و خراسان به اسم پیشوری و جانورداری و جماعتی را به حشر بدان حدود رانده و طایفه بسیار آن‌اند که از منتهای مغرب و عراقین و شام و غیر آن از بلاد اسلام بر سیل تجارت و سیاحت طوفی کرده‌اند و به هر طرفی و شهری رسیده و شهرتی یافته و طرفه‌ای دیده، عصای قرار آنجا انداخته‌اند و نیت اقامت کرده و متأهل شده و دور و قصور بنا نهاده و در مقابل بیوت اصنام، صوامع اسلام ساخته و مدارس افراخته و علما به تعلیم و افادت و مقتبسان علوم به اشتغال نموده؛ گویی اشارت از حدیث «اطلبوا العلم ولو بالصین» به ابناى این زمان است (همان: ۹).

لیو بینگ‌شنگ اوج مهاجرت دسته‌جمعی مسلمانان را به چین با توجّح به منابع چینی،

دهۀ دوم و سوم قرن سیزدهم میلادی (۶۱۶ تا ۶۳۷ ق) دانسته و در این باره می‌نویسد:

در این دوره تعداد مهاجران مسلمان در چین بی‌سابقه بود و می‌توان آن را نهضت مهاجرت با مسافت طولانی بی‌نظیر در تاریخ آسیا قبل از دورۀ جدید نامید. این مهاجرت به‌طور کامل پراکندگی و ترکیب جمعیت مسلمانان چین را تغییر داد. (۲۰۰۳: ۱۴۳-۱۵۳).

برخی از پژوهشگران تعداد مهاجران ایرانی را که در دورۀ مغول به چین مهاجرت کرده‌اند، بین دو تا سه میلیون نفر برآورد کرده‌اند (Dellon, 1999: 15-21). پادشاهان مغولی چین که وابسته به فرهنگ و سنت‌های آن دیار نبودند، از وجود ایرانیان برای استوارکردن پایه‌های قدرت خود در آن کشور بهره‌گرفتند. بسیاری از ایرانیان مهاجر به‌تدریج به دستگاه اداری سلسلۀ یوان وارد شده و مقامات مهمّ دیوانی را به دست آوردند. از مهم‌ترین خاندان‌های فارسی‌زبان که در مناصب مهمّ اداری چین در دورۀ سلسلۀ یوان مشارکت داشته‌اند، می‌توان خاندان محمود خوارزمی^۲ که سی سال صدارت سلسلۀ یوان را در چین بر عهده داشت و فرزندش، برهان‌الدین مسعود، که والی یکی از استان‌های مهمّ چین بوده است، نام برد. همچنین در منابع از سید اجل شمس‌الدین بخاری^۳ یاد شده است که فرماندهی کلّ نیروهای مغول را در حمله به ایالت سی‌چوان در شمال چین برعهده داشته و سپس در ۱۲۶۴ م/ ۶۶۲ ق، به استانداری همین ایالت منصوب شده است. شمس‌الدین بخاری دو سال بعد استاندار ایالت یون‌نان در جنوب چین شد و

مسلمانان کنونی ساکن این ایالت خود را از نوادگان او می‌دانند. خاندان بناکتی از دیگر دیوان‌سالاران ایرانی در دوره سلسله یوان در چین بودند (خواجه رشیدالدین، ۱۳۷۳: ۹۱۶-۹۱۸). در انتها باید از نام‌های دیگری همچون رکن‌الدین تستری و بهاء‌الدین قندوزی نیز یاد کرد (همان: ۹۱۰).

گروه‌های بزرگ فارسی‌زبان مهاجر در چین با مسلمانانی که پیش از آن در بنادر مهمی همچون چوانجو، خانجو و یانجو ساکن بودند، درآمیختند^۴ و خط و زبان مشترک آنان موجب شد تا پیوستگی بیشتری با هم پیدا کنند و گروه اقتصادی و سیاسی قابل ملاحظه‌ای را تشکیل دهند.

جایگاه برتر زبان فارسی در شرق جهان اسلامی در جامعه مهاجران مسلمان، شرایط زیر را به وجود آورد: الف) زبان فارسی به تدریج جای زبان‌های مادری اصلی مهاجران هوی‌هوی را گرفته و به زبان مشترک درون‌گروهی آنان تبدیل شد. زبان فارسی به زبان مهم و تاثیرگذار برای مبادلات اقتصادی و فرهنگی مردم هوی‌هوی با دیگر طبقات جامعه تبدیل شد. این موضوع سبب گردید تا حکومت مغولی چین در تشکیلات دولتی خود بخش‌های ویژه‌ای را برای تسهیل برقراری ارتباط با تاجران و سیاستمداران هوی‌هوی ایجاد کند. برخی از این مؤسسات با عناوین «هوی‌هوی چوان شی» (回回) (Hui Hui chuan shi 椽史) (اداره کاتبان هوی‌هوی) و «هوی‌هوی بی شی» (回回) (Hui Hui yi shi 译史) (اداره مترجمان هوی‌هوی) در متون تاریخی چینی سلسله یوان نامیده شده‌اند. بین قرون هفتم تا نهم هجری/دوازدهم تا چهاردهم میلادی در اوراسیا و از شرق به غرب، به ترتیب چهار کانون فرهنگی وجود داشت: کانون فرهنگ «هان» (نام بومیان چینی) در آسیای شرقی، کانون فرهنگ «هندی» در شبه قاره هند، کانون فرهنگ «اسلامی» از آسیای میانه تا آفریقای شمالی و کانون فرهنگ «مسیحی» در اروپا. کانون فرهنگ اسلامی، اما تقریباً به دو قسمت تقسیم شد: در قسمت غربی زبان عربی، زبان دینی و در درجه اول اهمیّت و در قسمت شرقی زبان فارسی، زبان ادبی و دینی به شمار می‌رفت؛ از این‌رو زبان چینی، تامیلی، فارسی، عربی و لاتین در اوراسیای آن موقع، از شرق به غرب، نقش زبان‌های مبادله بین‌المللی را ایفاء می‌کردند؛ به عبارت دیگر، زبان فارسی هم زبان مشترک درون‌گروهی مردم هوی‌هوی و هم زبان مهم برای ارتباط آن‌ها با ملیت‌های دیگر محسوب می‌شد. با توجه به جایگاه مسلمانان در دستگاه اداری سلسله یوان، زبان فارسی، زبان اصلی دیپلماسی دولت مغول در امور خارجه نیز بود؛ به عبارت دیگر، زبان فارسی در آن دوره در چین هم زبان خارجی، هم زبان اقلیّت ملی، و هم زبان مشترک مردم هوی‌هوی بود؛ به همین دلیل، زبان فارسی در سلسله یوان به عنوان یکی از سه زبان رسمی دولتی (چینی، مغولی و فارسی) مورد استفاده دیوان‌سالاران چینی قرار گرفت (لیو بینگ‌شنگ، ۲۰۰۳: ۱۴۵-۱۴۷).

به این ترتیب، در دورهٔ تسلط مغولان بر چین (سلسلۀ یوان) به دلیل مهاجرت گستردهٔ فارسی‌زبانان ماوراءالنهر و خراسان و بنادر خلیج فارس به چین و به‌کارگیری آنان در امور اداری و سیاسی، زبان فارسی از صورت زبان قومی و درون‌گروهی اقوام مسلمان هوی‌هوی، به‌صورت زبان رسمی درآمد و حاکمان چین از آن به‌عنوان یکی از سه زبان رسمی در مکاتبات اداری و به‌ویژه در مکاتبات خارجی استفاده می‌کردند. نامهٔ گیوک‌خان (۱۲۴۶ م/ ۶۴۳ ق) به پاپ به زبان‌های مغولی و فارسی نوشته شده (رجب‌نیا، ۱۳۵۲: ۳۲-۳۳) که نشانهٔ کاربرد اداری زبان فارسی در چین است. به‌کارگیری زبان فارسی به‌عنوان یکی از سه زبان رسمی روابط خارجه تا دورهٔ سلسلۀ مینگ (۱۳۸۶-۱۶۱۶ م/ ۷۸۷-۱۰۲۵ ق) ادامه یافت. عبدالرزاق سمرقندی، مورخ دورهٔ شاهرخ تیموری (۸۰۷-۸۵۰ ق/ ۱۴۰۵-۱۴۴۷ م)، در مطلع سعدین و مجمع بحرین در ذیل عنوان «صورت مکتوب پادشاه خطای» که شرح رسیدن سفرای پادشاه سلسلۀ مینگ به نام «مینگ چینگ زو» (ming 明成祖 chengzu) به دربار شاهرخ است، می‌نویسد:

و دو مکتوب دیگر همراه این مکتوب فرستاده بودند: یکی بیلاکات که فرستاده بودند در آنجا مفضل کرده و یکی بر مثال خط راه که ایلچیان را باشد و هر مکتوب که به زبان فارسی و خط فارسی نوشته، در همان مکتوب به خط مغولی مضمون سخن به زبان ترکی نوشته و در همان مکتوب به خط خطای همان مضمون به زبان خود نوشته (۱۳۸۳: ۱۶۰/۳).

این مدرک نشان می‌دهد که زبان فارسی تا اوایل قرن نهم در مکاتبات رسمی روابط خارجهٔ پادشاهان سلسلۀ مینگ کاربرد داشته است. متن چینی و ترجمۀ فارسی این نامه‌ها در کتاب هوی‌هوی گوان یی یو ثبت شده و تطبیق این متون با نامهٔ آورده‌شده در کتاب مطلع سعدین و مجمع بحرین صحت و دقت اخبار عبدالرزاق سمرقندی را تأیید می‌کند.^۵

علی‌رغم پژوهش‌های گوناگون که دربارهٔ اسناد فارسی موجود در چین به انجام رسیده، بخش زیادی از این اسناد در موزه‌ها، گنجینه‌های مساجد و بایگانی‌های اشخاص تاکنون معرفی نشده است. در این مقاله یکی از این اسناد که متن آن به‌صورت‌های گوناگون کتیبه‌ای و کاغذی در موزه‌های چین نگهداری می‌شود، بازخوانی و بررسی خواهد شد.

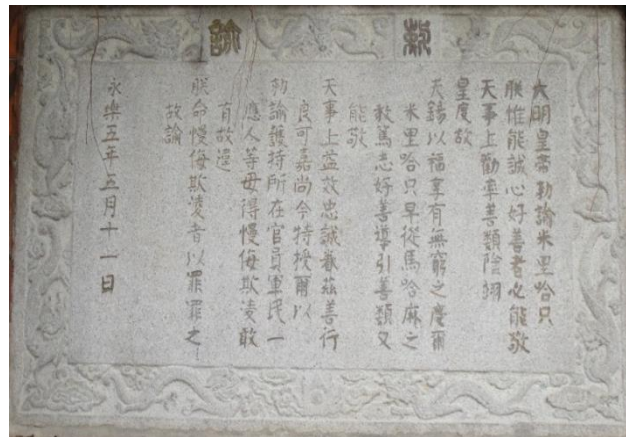
۳. معرفی دو کتیبه چینی درباره «امیرحاجی»، از مسلمانان ساکن در بندر چوانجو

پیش از پرداختن به فرمان سه‌زبانۀ سلسله مینگ باید یادآوری کرد که این فرمان خطاب به یکی از مسلمانان ساکن چین به نام امیرحاجی نوشته شده است. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که این فرد از جایگاه مهمی در جامعه مسلمانان برخوردار بوده و امپراتور چین چند فرمان درباره حمایت از او صادر کرده است که دو فرمان آن در کتیبه‌ای چینی در موزه شهر چوانجو نگهداری می‌شود که در اینجا آن‌ها را معرفی می‌کنیم.

با روی کارآمدن سلسله مینگ، زبان فارسی رونق بیشتری پیدا کرد. یکی از عوامل عمده این تحوّل توجه پادشاهان سلسله مینگ به ایجاد روابط گسترده با دیگر ملل از طریق دو راه ابریشم زمینی و دریایی بود. از آنجایی که بخش عمده این روابط در جاده زمینی با حکومت تیموریان در ایران بود و از سوی دیگر ناوگان‌های دریایی چینی برای گسترش مراودات دریایی به خلیج فارس اعزام شدند، پادشاه سلسله مینگ از گروه مترجمان فارسی و عربی در این سفرها استفاده می‌کرد. بخش عمده‌ای از مترجمان مسلمانان هوی‌هوی بودند که زبان دینی آن‌ها فارسی بود. از سوی دیگر، چون در دوره سلسله یوان بخشی از مکاتبات دیوانی به زبان‌های غیرچینی و از جمله فارسی نوشته شده بود، نیاز به تربیت نیروی اداری برای خواندن و بازنویسی این اسناد احساس می‌شد؛ از این‌رو، پادشاه سلسله مینگ دستور داد مدرسه‌ای ویژه برای ترجمه متون اداری گشایش یابد؛ این مدرسه با عنوان سی یوگوان (Siyi Guan 四夷館) وظیفه قرائت، بازنویسی و کتابت اسناد دیوانی به زبان‌های غیرچینی را برعهده داشت. به‌طور کلی کتیبه‌ها، طومارها و اسناد چینی چندزبانۀ که در دوره سلسله مینگ نوشته شده و هم‌اکنون در موزه‌ها و مساجد گوناگون این کشور موجود است، نوشته کارگزاران اداری این مدرسه است و مسلمانان هوی‌هوی وظیفه اصلی کتابت متون فارسی این دوره را برعهده داشته‌اند. کتیبه سه‌زبانۀ مورد بررسی این مقاله نیز متعلق به همین دوره است. در موزه‌ها و گنجینه مساجد چین، چندین فرمان و لوح از امپراتور سلسله مینگ درباره فردی به نام امیرحاجی وجود دارد. از هویت این فرد اطلاعی در دست نداریم؛ اما از محتوای این فرمان‌ها مشخص است که او از مسلمانان ساکن در بندر یانجو و به احتمال بسیار، امام جماعت مسلمانان این ناحیه بوده است. چن داشنگ، محقق چینی، در این باره می‌نویسد:

لوحی با پایه‌ای ساده در زیر طاق شرقی ورودی مسجد اصحاب پیدا شد. این سنگ گرانیتی به بلندی ۱۰۱ سانتی‌متر و به عرض ۱۶۷ سانتی‌متر است که در اطراف آن طرح ازدها نقش شده است. در بالای این لوح مُهر چینی با عنوان «Chi YU» به معنای فرمان سلطنتی نوشته شده است. در این لوح شانزده سطر خط چینی دیده می‌شود [که] ترجمۀ آن به شرح زیر است: امپراتور معظّم سلسلۀ مینگ با این حکم به اطلاع میرحاجی می‌رساند: فکر می‌کنم، همانا کسانی که خالصانه دوست دارند کار نیک انجام دهند، حتماً حرمت خدا را نیز نگه می‌دارند، به مافوق خود نیز خدمت می‌کنند، انسان‌های خوش قلب را نصیحت و راهنمایی می‌کنند، ظرفیت و فضایل امپراتور را یآوری و محافظت می‌کنند، بدین سبب خداوند به آن‌ها سعادت عطا می‌نماید و لذّت تبریکات بی‌پایان را به آن‌ها می‌چشاند. تو ای میرحاجی، سال‌ها پیش به دین محمد ایمان آورده‌ای. بر انجام کارهای نیک تمرکز داری و همچنین انجام کار نیک را دوست داری، انسان‌های خوش قلب را راهنمایی می‌کنی و در همان حین قادری حرمت خدا را نیز نگه داری. به مافوق خود خدمت می‌کنی و هرچه می‌گذرد، مخلص‌تر می‌شوی. با در نظر گرفتن این کارهای نیک، حقیقتاً می‌توان آن‌ها را تحسین کرد. امروز به صورت خاصّه به تو حکمی اعطا می‌کنم که با در دست داشتن آن فارغ از اینکه کجا بروی، مسئولین، ارتشی‌ها و یا مردم محلی هیچ‌یک نتوانند به تو بی‌احترامی کنند یا تو را تحقیر کنند و به تو زور بگویند. اگر کسی جرئت کند این فرمان مرا نقض کند، هر آن‌کس که به تو بی‌احترامی کند یا تو را تحقیر کند و به تو زور بگوید، باید او را بدین جرم محکوم کنید. به صورت خاصّه اطلاع‌رسانی کنید. روز یازدهم از ماه پنجم سال پنجم، یونگ له

Chen Dasheng, 1984: 11-12؛ ← تصویر شماره ۱).



تصویر شماره ۱. کتیبه چینی مسجد اصحاب در شهر جوانجو- چین



تصویر شماره ۲. کتیبه چینی مسجد اصحاب چوانجو

کتیبه‌ای دیگر با مضمونی شبیه به کتیبه ذکرشده در مسجد اصحاب چوانجو وجود دارد که خطاب به امیرحاجی است. متن فارسی هر دو کتیبه یکی است؛ اما تغییرات اندکی در متن چینی آن دیده می‌شود (← تصویر شماره ۲).

باید افزود که بندر چوانجو (Quanzhou 泉州) واقع در ایالت فوجیان (Fujian) در شرق چین، یکی از بنادر باستانی و مهم این کشور در دوره سلسله سونگ (Song 宋朝 -۹۶۰ تا ۱۲۷۹م) است. به دنبال سقوط سلسله تانگ در ۹۰۷م/۲۹۴ق و تشدید کشمکش‌های داخلی و ناامن شدن جاده‌های زمینی، شرایط برای رونق راه‌های دریایی فراهم و بندر چوانجو از قرن یازدهم میلادی به بعد به بندر اصلی چین تبدیل شد. شهر چوانجو در متون فارسی و عربی با نام «زیتون» شناخته می‌شود؛ زیتون در واقع تلفظ فارسی نام قدیم شهر چوانجو، یعنی سی‌تونگ (Tzu tung/刺桐 Si-tong) است.^۷

پاول پلیو معتقد است: نام شهری با عنوان سی‌تونگ (刺桐 Tzu tung) در متون سلسله تانگ دیده نمی‌شود. این نام نخستین بار در متون سلسله سونگ و در متنی جغرافیایی به تاریخ ۱۲۳۹ ثبت شده است (Pelliot, 1959: 585).

قدیمی‌ترین سنگ‌نبشته از این نام مربوط به مقبره یکی از مسلمانان بندر زیتون در ۶۹۲ق است (موزه اسلامی شهر چوانجو) که در آن از شهر زیتون به‌عنوان زادگاه متوقی یاد شده است.^۸

در متون اسلامی نخستین بار در کتاب الجغرافیا فی الأقالیم السبعة و زاد فیہ الأطوال و العروض، نوشته ابن سعید مغربی (۶۱۰-۶۸۵ق/۱۲۸۶-۱۲۱۳م)، جغرافی‌نویس اندلسی، نام این بندر، زیتون **زیتون** ثبت شده است (ش 2234: Arabe ۴۱ الف). مغربی در کتاب جغرافیایی خود و در شرح آبادی‌های جزء نهم از اقلیم دوم می‌نویسد:

رودخانۀ زیتون در جزء نهم از این اقلیم قرار دارد و در حاشیۀ آن، بندر زیتون قرار دارد که زبانزد بازرگانان مسلمانی است که به چین می‌روند و نزد آنان بندری مشهور است و کشتی‌ها به اندازه پانزده مایلی بعد از طی مسیر در رودخانۀ زیتون به دریای چین وارد می‌شوند و بندر زیتون در مختصات جغرافیایی ۱۱۵۴ طول و عرض هفده درجه قرار دارد (۱۹۷۰: ۱۲۱).

۴. بازخوانی فرمان سه‌زبانۀ چینی-فارسی-مغولی «یانجو» (Yangzhou 扬州)
بندر یانجو (Yangzhou 扬州) یکی از بنادر مهم چین است که در شرق آن واقع شده است. این شهر در دورۀ سلسلۀ سوی (Sui 隋朝- ۶۱۸ تا ۵۸۱م)، پایتخت جنوبی چین و در اوایل قرن یازدهم میلادی و در سلسلۀ تانگ جنوبی (۹۳۸ تا ۹۷۵م- Southern Tang 南唐) پایتخت شرقی چین بوده است. از آنجا که این شهر در محل کانال بزرگ چین قرار دارد، امکان دسترسی به شهرها از دو طریق دریا و زمین برایش فراهم بود. بازرگانان ایرانی و مسلمان از دو طریق مسیر زمینی و دریایی جاده ابریشم به این شهر وارد و در آن ساکن شدند. قدیمی‌ترین اثر تاریخی موجود درباره حضور ایرانیان در شهر یانجو، کتیبه‌ای چینی متعلق به ۲۲۰ق/ ۸۳۵م در موزه این شهر نگهداری می‌شود (Zhou Yunzhong, 2017: 69-72). این کتیبه خلاصه‌ای از زندگانی یک مبلغ مانوی به نام «ما هو لو» (摩呼祿 Ma hu lu) فرزند لو هو لو (罗呼祿 Lu hu lu) است. در پژوهش‌ها مشخص شده است که عبارت «هو لو» (呼祿 Hu Lu) که در دو اسم از اسامی ذکرشده در کتیبه آمده، تلفظ چینی واژه فارسی میانۀ «xrwhxw`n» است. در واقع عبارت «xrwhxw`n» عنوان شغلی و دینی دو تن از مانویان ایرانی ساکن یانجوست. حضور مانویان در این ناحیه به اواخر سلسلۀ تانگ و همکاری مؤثر آنان در دفع شورش‌ها علیه پادشاه برمی‌گردد. در قرن هشتم میلادی، حدود چهل معبد مانوی در این ناحیه وجود داشته است (Lieu, 1992: 234). نام این بندر نخستین بار در نقشه جهان، ترسیم خوارزمی (۱۸۵-۲۳۳ق/ ۷۸۰-۸۵۰م)، ریاضی‌دان و منجم و جغرافیانویس مشهور ایرانی، به صورت «قانتو» (Qāntū) ذکر شده است. هیونگ هی پارک در این باره می‌نویسد:

خوارزمی نقشه‌ای را براساس اطلاعات بازرگانان مسلمانی که به شرق دور مسافرت کرده‌اند، ترسیم نموده که نشانگر آگاهی او از آسیای جنوب شرقی و جنوب چین است؛ در این نقشه نام سه شهر چین ثبت شده است. قانتوا به احتمال زیاد، منطبق با یانجو (Yangzhou 扬州)، شهری که مسلمانان زیادی در آن ساکن بوده‌اند، می‌باشد (Park, 2012: 59).

این نقشه را نخستین بار ویلهلم اسپیتا (Wilhelm Spita) در ۱۸۷۸م در مصر معرفی و کووآبارا در تحقیقات خود از آن استفاده کرد و نام قانطو را منطبق با یانجو دانست (Kuwabara, 1922: 49). دربارهٔ اینکه چرا در برخی متون اسلامی نام بندر یانجو به صورت کانفوا و قانطوا نوشته شده است، باید گفت که در زبان چینی قدیم نام یانجو به صورت «گوانگ لینگ» (广陵 Guang Ling) یا «جیانگ دو» (江都 Jiang Du) نوشته می‌شد. «Guang» (广) در زبان چینی گاه به صورت «kuang» یا «njem» نیز تلفظ می‌شود؛ «Jian» (江) نیز به صورت‌های «kang» یا «gyang» و «Du» (都) به صورت «tu» یا «tu» تلفظ می‌شود؛ از این رو، واژه «کانفوا» یا «قانطوا» که در متون اسلامی ذکر شده، در واقع تلفظ قدیمی شهر یانجوست.

در کتاب المسالک و الممالک، نوشتهٔ ابن خردادبه (۲۰۵-۳۳۰ق/۸۲۰-۹۱۲م) نام این بندر به صورت قانطو ^{قانطو} (ش ۲۲۱۳: ۲۸ الف)، یعنی تلفظ چینی قدیم آن ثبت شده است (Ibn Khordadbeh, 1992: 69). نام این بندر برای نخستین بار به صورت «ینجو» در کتاب القانون المسعودی فی هیئت و النجوم، نوشتهٔ ابوریحان بیرونی (۳۵۲-۴۲۷ق/۹۶۳-۱۰۳۶م) ثبت شده است (۱۹۵۴: ۵۵۰/۲). خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، مؤرخ و سیاستمدار بزرگ ایرانی دورهٔ مغول، در کتاب جامع التواریخ برای نخستین بار نام این شهر را با تلفظ چینی آن به صورت «ینگجو» ثبت کرده (ش ۴۱۶۴: برگ ۸۶ الف) و دربارهٔ آن می‌نویسد:

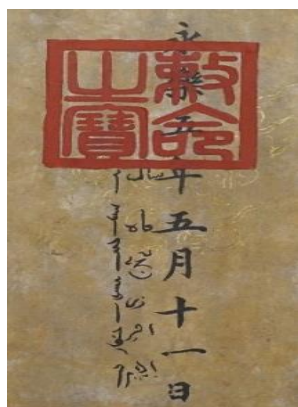
شهر ینگجو، این شهری است بر سر حد ختای افتاده و توقان، پسر قویلی، آنجا می‌باشد (۱۳۹۴: ۸۰۶/۲).

همهٔ شواهد تاریخی نشان می‌دهد جمعیتی مسلمان و فارسی‌زبان در این شهر مهم چین از قرون نخستین اسلامی ساکن بوده و به تدریج جذب جامعهٔ چین شده‌اند. اجتماع مسلمانان فارسی‌زبان در بندر یانجو در دورهٔ حاکمیت سلسلهٔ یوان و مینگ، با مشارکت در امور اداری و نظامی، جایگاه ویژه‌ای یافتند و مورد احترام امپراتور و دستگاه دیوانی بودند. خانواده‌ای با نام امیرحاجی، از جملهٔ این ساکنان به شمار می‌روند. ما آگاهی چندانی از این فرد در دست نداریم و به احتمال، عنوان امیرحاجی، نشان از منصب دینی او باشد که در واقع مسئولیت امور حجاج مسلمان ساکن یانجو را بر عهده داشته است. کتیبه‌ای به زبان فارسی متعلق به اوایل قرن هشتم هجری و دورهٔ سلسلهٔ یوان، در موزهٔ مسجد بهاءالدین این شهر نگهداری می‌شود که متعلق به فردی با نام «قوام‌الدین» و

ملقب به امیرحاجی است و نشان می‌دهد که این عنوان در دورۀ سلسلۀ یوان نیز مرسوم بوده است. تا به‌دست‌آمدن شواهد قطعی‌تر باید به این احتمال بسنده کرد.

در ۱۹۵۶م، طوماری سه‌زبانۀ متعلق به امام جماعت مسجد یانجو (Yangzhou 扬州) در اختیار مقامات اداری چین قرار گرفت. این فرمان بر روی پارچه‌ای ابریشمی در ابعاد ۷۷ سانتی‌متر در ۱۰۸ سانتی‌متر و به سه زبان چینی، فارسی و اویغوری نوشته شده است. هم‌اکنون این فرمان در موزۀ اقلیت‌های قومی چین در پکن نگهداری می‌شود. این فرمان را پادشاه سلسلۀ مینگ، به نام «یونگ له» (永乐 Yǒnglè - ۱۴۰۲ تا ۱۴۲۲م/ ۸۰۵ تا ۸۲۵ق)، با نام چینی «جودی» (朱棣)، سومین امپراتور این سلسله صادر کرده است. در دورۀ این پادشاه، مراودات چین با کشورهای حوزه اقیانوس هند و همچنین حکومت تیموریان به مرحله تازه‌ای وارد شد و سفرای ملوک هرموز و تیموریان در این دوره بارها به چین مسافرت کرده‌اند. چن داشنگ در این باره می‌نویسد:

وجود این فرمان در مساجد چوانجو و یانجو نشان می‌دهد که امپراتور چین نسبت به حمایت از مساجد و مسلمانان مصمم بوده و این فرمان‌ها حکم طلسم برای آنان داشته است. به احتمال، امیرحاجی یا در فوجو و یا در چوانجو ساکن بوده و پس از آن به یانجو آمده است؛ جایی که طومار اصلی را به او داده‌اند (1984: 11-12).



تصویر شماره ۳. مَهر پادشاه سلسلۀ مینگ و تاریخ نوشتن متن

متن چینی این فرمان در سمت راست، متن فارسی در میانه و متن مغولی در چپ قرار گرفته است. متن چینی در نُه سطر از سمت راست و از بالا به پایین، متن فارسی در پانزده سطر از راست به چپ و متن مغولی در نُه سطر نوشته شده است. این فرمان دارای مَهر سلطنتی است؛ همان‌گونه که در این بخش، ابتدا تصویر فرمان آورده شده و پس از آن بخش مَهر و سپس بخش چینی و در نهایت، بخش فارسی آن بازخوانی خواهد شد.



تصویر شماره ۴. تصویر فرمان سه‌زبانۀ چینی-فارسی-مغولی موجود در موزه اقلیت‌های چین در پکن

در بخش میانی این سند مُهر امپراتور سلسلهٔ مینگ به چشم می‌خورد. متن چینی به ترتیب از بالا به پایین عبارت است از: روز یازدهم ماه پنجم از سال پنجم سلطنت یونگ له (۱۴۰۷ م):

永(yǒng)樂(lè)五(wǔ)年(nián)五(wǔ)月(yuè)十(shí)一(yī)日(rì)

اما در بخش میانی قرائت فارسی آمده است که واژه‌های «سال»، «ماه» و «پنج» را می‌توان خواند و سه واژهٔ دیگر نامشخص است.

بخش چینی این فرمان در ده سطر نوشته شده است:

1. 諭(yù) 米(mǐ) 里(lǐ) 哈(hā) 只(zhī).
2. 朕(zhèn) 惟(wéi) 人(rén) 能(néng) 誠(chéng) 心(xīn) 好(hào) 善(shàn) 者(zhě) , 必(bì) 能(néng) 敬(jìng).
3. 天(tiān) 事(shì) 上(shàng) , 勸(quàn) 率(shuài) 善(shàn) 類(lèi) , 陰(yīn) 翊(yì) 皇(huáng) 度(dù) 。 故(gù).
4. 天(tiān) 錫(cì) 以(yǐ) 福(fú) , 享(xiǎng) 有(yǒu) 無(wú) 窮(qióng) 之(zhī) 慶(qìng) 。 尔(ěr) 米(mǐ) 里(lǐ) 哈(hā) 只(zhī) , 早(zǎo) 從(cóng).
5. 馬(mǎ) 哈(hā) 麻(má) 之(zhī) 教(jiào) , 薦(dù) 志(zhì) 好(hào) 善(shàn) , 導(dǎo) 引(yǐn) 善(shàn) 類(lèi) , 又(yòu) 能(néng) 敬(jìng).

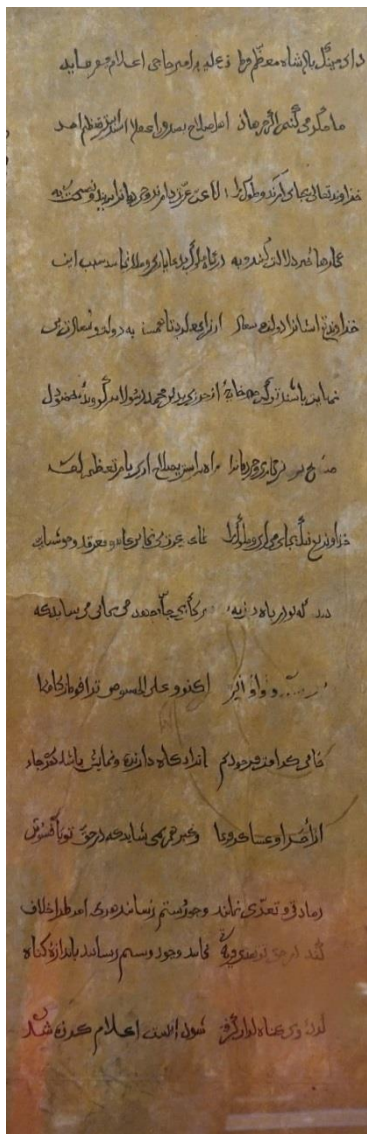
6. 天 (tiān) 事 (shì) 上 (shàng) , 益 (yì) 效 (xiào) 忠 (zhōng) 誠 (chéng) 。 眷 (juàn) 茲 (zī) 善 (shàn) 行 (xíng) , 良 (liáng) 可 (kě) 嘉 (jiā) 尚 (shàng) 。 今 (jīn) 特 (tè) .
7. 授 (shòu) 尔 (ěr) 以 (yǐ) 勅 (chì) 諭 (yù) 護 (hù) 持 (chí) , 所 (suǒ) 在 (zài) 官 (guān) 負 (yuán) 軍 (jūn) 民 (mín) - (yí) 應 (yìng) 人 (rén) .
8. 等 (děng) 毋 (wú) 得 (dé) 慢 (màn) 侮 (wǔ) 欺 (qī) 凌 (líng) 。 敢 (gǎn) 有 (yǒu) 故 (gù) 違 (wéi) 朕 (zhèn) 命 (mìng) , 慢 (màn) 侮 (wǔ) 欺 (qī)
9. 凌 (líng) 者 (zhě) , 以 (yǐ) 罪 (zuì) 罪 (zuì) 之 (zhī) , 故 (gù) 諭 (yù) 。 .
10. 永 (yǒng) 樂 (lè) 五 (wǔ) 年 (nián) 五 (wǔ) 月 (yuè) 十 (shí) - (yī) 日 (rì) 敕 (chì) 命 (mìng) 之 (zhī) 寶 (bǎo) (印章) .

ترجمه فارسی متن چینی:

به اطلاع امیرحاجی می‌رساند: فکر می‌کنم همانا کسانی که خالصانه دوست دارند کار نیک انجام دهند، حتماً حرمت خدا را نیز نگه می‌دارند، به مافوق خود نیز خدمت می‌کنند، انسان‌های خوش‌قلب را نصیحت و راهنمایی می‌کنند، قدرت و فضایل امپراتور را یادآوری می‌کنند؛ بدین سبب خداوند به آن‌ها سعادت عطا می‌نماید و لذت تبریكات بی‌پایان را به آن‌ها می‌چشاند. تو ای امیرحاجی، سال‌ها پیش به دین محمد ایمان آورده‌ای، بر انجام کارهای نیک تمرکز داری و همچنین انجام کار نیک را دوست داری، انسان‌های خوش‌قلب را راهنمایی می‌کنی و در همان حال قادری حرمت خدا را نیز نگه داری و به مافوق خود خدمت می‌کنی و هرچه می‌گذرد، مخلص‌تر می‌شوی. با در نظر گرفتن این کارهای نیک، در واقع می‌توان آن‌ها را ستود. امروز به‌صورت ویژه به تو حکمی اعطا می‌کنم که با در دست داشتن آن، فارغ از اینکه کجا بروی، دیوانیان، سپاهیان و یا مردم محلی، هیچ‌یک نتوانند به تو بی‌احترامی کنند یا تو را تحقیر کنند و به تو زور بگویند. اگر کسی جرئت کند این فرمان مرا نقض کند، هر آن کس که به تو بی‌احترامی کند یا تو را تحقیر کند و به تو زور بگوید، باید او را بدین جرم محکوم کنید. به‌صورت خاصه اطلاع‌رسانی کنید. روز یازدهم از ماه پنجم سال پنجم، یونگ له

متن فارسی این فرمان در پانزده سطر به این شرح آمده است:

۱. دای مینگ پادشاه معظم فرمان علیّه [عالی] بر امیرحاجی اعلام می‌فرماید:
۲. ما فکر می‌کنیم اگر فرمان اهل صلاح به صدق و اعتقاد است، بهتر است تعظیم امر
۳. خداوند تعالی به جای آوردن و ملوک را اطاعت و عزت دارند و مردمان را بر بند و نصیحت ببیند و نصیحت به
۴. کارهای خیر دلالت کنند و به درگاه ملوک به دعا یاری و مدد نمایند. به سبب این



تصویر شماره ۵. تصویر متن بخش فارسی

۵. خداوند تعالی ایشان را دولت و سعادت ارزانی کرد تا همیشه به دولت و سعادت بی
۶. نهایت باشند. تو که میرخواجه‌ای (؟) به دین محمد رسول‌الله گرویده‌ای به حضور دل
۷. صالح‌ترین (؟) نیکوکاری و مردمان را به راه راستی به صلاح آری، باز تعظیم امر
۸. خداوند تعالی نیک به جای می‌آری و ملوک را اطاعت (؟) عزت می‌نمایی (؟)
۹. ... که تو درباره دین به هر کاری جد و جهد می‌نمایی. می‌شاید که
۱۰. اکنو (؟) و علی‌الخصوص تو را فرمان کامل
۱۱. حامی کرامت فرمودیم. آن را نگاه‌دارنده و نمایش باشد هر کجاء (؟) هر جا
۱۲. از آن را و عساکر و رعایا و غیرهم نمی‌شاید که در حق تو با خشونت
۱۳. زیادتی و تعدی نمایند و جور و ستم رسانند. هرکه امر تو را خلاف
۱۴. کند، در حق تو تعدی و زیادتی نماید و جور و ستم رساند، به اندازه گناه
۱۵. کرده وی گناه کار گرفت [ار] شود. این است اعلام کرده شد.

یکی از ویژگی‌های قابل توجه در بخش فارسی این سند، هم‌طراز نبودن ابتدای سطور آن است؛ یعنی هر جا که نام امپراتور یا خداوند آمده، عرض سطر بیشتر شده است. این سنت در اسناد ایرانی دوره مغول و پس از آن دیده می‌شود. عمادالدین شیخ‌الحکمایی، ریشه این سنت (ممتازنویسی) را در ایران، برگرفته از فرهنگ ممتازنویسی چینی می‌داند و درباره تفاوت‌های این سنت در اسناد ایرانی و چینی می‌نویسد:

مسلماً آمیختگی دو سنت دیوانی مغولی و ایرانی، باعث به وجود آمدن تغییراتی در روش‌های ممتازنویسی گردیده است و به‌مرور نیز تأثیر فرهنگ ایرانی بر آن بیشتر شده

است. نخستین تغییر در این سنت نسبت به منشأ چینی، تفاوت در جهت نوشته، یعنی تغییر جهت عمودی به افقی است (۱۳۹۰: ۹۱).

۵. نتیجه

در دورۀ سلسلۀ یوان، زبان فارسی و اویغوری به‌صورت محدود در امور اداری و به‌ویژه مکاتبات خارجی به کار گرفته شد و برخی از مهاجران فارسی‌زبان در کارهای دیوانی مشغول شدند. مهاجرت گسترده فارسی‌زبانان به چین و اسکان بخش‌های عمده‌ای از آنان در این کشور، باعث شد تا این مهاجران به‌تدریج با جامعه چین درآمیخته شوند و هسته‌های اولیه قومیتی جدید به نام هوی‌هوی را بنیان نهند. این عوامل باعث شد تا از زبان فارسی در چین به‌صورت زبان میانجی اقوام مسلمان و همچنین زبان دینی قوم هوی‌هوی و یکی از زبان‌های رسمی اداری استفاده شود. این روند در دورۀ سلسلۀ مینگ نیز تداوم یافت و پادشاهان این سلسله که مروج تبادلات بین‌المللی بودند، از زبان فارسی در امور دیوانی خود استفاده می‌کردند و همین امر موجب شد تا برخی اسناد و مدارک مرتبط با این سلسله به‌صورت اسناد چندزبانۀ در موزه‌ها و گنجینه‌های مساجد باقی بماند و زمینه مناسبی برای بررسی جایگاه زبان فارسی در چین به وجود آورد. یکی از این اسناد اداری، فرمان سه‌زبانۀ یکی از پادشاهان سلسلۀ مینگ به نام یونگ له است که خطاب به یکی از مسلمانان ساکن بندر یانجو نوشته شده است. در این مقاله برای نخستین بار متن فارسی آن قرائت و بازنویسی شد. ویژگی‌های نگارشی و دستوری این متن، می‌تواند به عنوان سندی گویا از کاربرد زبان فارسی در امور اداری چین مطالعه و تحقیق شود.

پی‌نوشت

۱. جوینی در شرح حملۀ چنگیز به خوارزم آورده است:
فی‌الجملة چون از رزم خوارزم فارغ شدند، از نهب و فتک و سفک بپرداختند، آنچه محترفه بودند، قسمت کردند و به بلاد شرقی فرستادند (جوینی، بی‌تا، ۱۰۴/۱).
 ۲. برای آگاهی بیشتر از موقعیت خاندان یلواج در چین: (← جوینی، بی‌تا: ۱۵۴/۱ و ۱۹۷ و ۲۱۲؛ بناکتی، ۱۳۴۸: ۳۹۰ و ۳۹۲ و جوزجانی، ۱۳۶۳: ۱۲۴/۲)
 ۳. برای آگاهی بیشتر از موقعیت خاندان سید اجل در چین: (← خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، ۱۳۷۳: ۹۱۴ و ۹۱۵).
- شجره نسب شیخ اجل شمس‌الدین بخاری در موزه اسلامی شهر زیتون موجود است. بسیاری از مسلمانان جنوبی‌ترین ایالت مسلمان‌نشین چین، یعنی ایالت «یون نان»، خود را از نوادگان شیخ اجل

شمس‌الدین بخاری می‌دانند. برای آگاهی بیشتر: (← جی ده، ۲۰۰۸؛ Yao Jide, 2008، 姚继德، 2008).

۴. برای آگاهی بیشتر از چگونگی شکل‌گیری کلنی‌های دریانوردان عرب و ایرانی در چین از قرون نخستین اسلامی تا دوره سلسله مینگ: (Qing Chen, 2015).

۵. برای آگاهی بیشتر از متن نامه چینی و فارسی: (← مینوبو هوندا، ۱۳۷۹: ۸۰-۹۴)
۶. متن چینی کتبیبه:

白话文翻译：

大明皇帝赏赐米里哈只敕书：我思考着，那些能诚心喜欢做好事的人，一定能够敬畏天，侍奉上級，劝说引导善良的人，暗暗地庇护皇帝的德运，因此上天赏赐给这种人福祉，使他享有无穷的好运。你，米里哈只，早年就信奉了马哈麻宗教，专心一意，又喜欢做善事，引导善良的人，同时也能够敬畏天，侍奉上級，越来越忠诚。考虑到这些善行，确实是可以称赞的。今天特意授予你保护性敕谕，拿着它无论走在哪儿，当地的官员、军人和民众等都不可以轻慢侮辱欺凌你。如果有人敢违反我的命令，轻慢侮辱欺凌你，应该拿罪行来给他定罪，特意告知。

永乐五年五月十一日

۷. تلفظ واژه «Tzu tung» در زبان فارسی و برگردان آن با حروف بسیار دشوار است و در زبان چینی تلفظی ترکیبی هم‌زمان از دو واج «ت» و «س» شامل می‌شود؛ اما غالباً آن را به صورت «سی» می‌نویسند و در اینجا هم از قاعده عمومی این اسم استفاده شده است.
۸. برای آگاهی بیشتر: (← وثوقی، ۱۳۹۶: ۱۴۴).

منابع

- ابن خردادبه (بی‌تا)، المسالك و الممالک، نسخه خطی، ش ۲۲۱۳، کتابخانه ملی پاریس.
ابن سعید مغربی (بی‌تا)، جغرافیا فی الأقالیم السبع و زاد فیہ الأطوال و العروض، نسخه خطی، ش Arabe 2234، کتابخانه ملی پاریس.
_____ (۱۹۷۰)، کتاب الجغرافیا، چاپ اسماعیل العربی، بیروت، منشورات المکتب التجاری للطباعة و النشر و التوزیع.
ابوریحان بیرونی (۱۹۵۴)، کتاب القانون المسعودی فی هیئت و النجوم، حیدرآباد دکن، مطبعة مجلس دائرة المعارف العثمانية.
بناکتی (۱۳۴۸)، تاریخ بناکتی، چاپ محمدجعفر شعار، تهران، انجمن آثار ملی ایران.
جوزجانی (۱۳۶۳)، طبقات ناصری، چاپ عبدالحی حبیبی، تهران، دنیای کتاب.
جوینی (بی‌تا)، تاریخ جهانگشای جوینی، چاپ محمد قزوینی، تهران، بامداد.
خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی (۱۳۷۳)، جامع التواریخ، چاپ محمد روشن، تهران، البرز.

- _____ (۱۳۹۴)، جامع‌التواریخ، چاپ محمد روشن و مصطفی موسوی، تهران، میراث مکتوب.
- _____ (بی‌تا)، جامع‌التواریخ، نسخه خطی، ش ۴۱۶۴، کتابخانۀ ملک.
- رجب‌نیا، مسعود (۱۳۵۲)، «نامۀ فارسی گیوگ‌خان به پاپ»، هنر و معماری، بهمن و اسفند، ش ۱۳۶ و ۱۳۷، ص ۳۲-۳۹.
- شیخ‌الحکمایی، عمادالدین (۱۳۹۰)، «ادب ممتازنویسی و سیر تحوّل آن در اسناد دورۀ اسلامی ایران»، پژوهش‌های علوم تاریخی، دورۀ ۳، ش ۱، ص ۹۱.
- عبدالرزاق سمرقندی (۱۳۸۳)، مطلع سعدین و مجمع بحرین، چاپ عبدالحسین نوایی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- لیو بینگ‌شنگ (۲۰۰۳)، «تاریخ مختصر هشتصدسالگی توسعه ملیت هوی؛ از زبان فارسی تا زبان ملیت هوی»، پژوهش فرهنگ چینی، زمستان، ص ۱۴۳-۱۵۳.
- مینوبو هوندا (۱۳۷۹)، «هوی‌هوی گوان بی یو» (فرهنگ‌نامۀ کهن چینی به فارسی)، ترجمۀ توموکو ایده گوچی، پژوهش‌های ایران‌شناسی (ناموارۀ دکتر محمود افشار)، تهران، موقوفات دکتر محمود افشار.
- وثوقی، محمدباقر (۱۳۹۶)، میراث دریانوردان ایرانی در بنادر چین، تهران، میراث فرهنگی ایران. یائو، جی ده، (۲۰۰۸)، مجموعه مقالات ایران‌شناسی در چین، بین چوان، مردم نینگ شیا.
- Bakhtyar, Mozafar (1995), "Yisitifei kao (亦斯替非"文字)", in Ye Yiliang, Yilangxue zai Zhongguo lunwenji, *Collection of Papers on Iranian Studies in China*, Beijing, Beijing daxue chubanshe..
- Chen Dasheng (1983), *yang zhou yi si lan jiao bei wen xin zheng, hai jiao shi yan jiu*.
- Chen Dasheng (1984), *Islamic inscriptions in Quanzhou (Zaitun)*, China, Fujian.
- Dellon, Michael (1999), *Chinas Muslem Hui community: Migration, Settlement and sects*, Curzun Press.
- Ibn Khordadbeh (1992), *Kitāb al-masālik wa l-mamālik Auetore Ibn Khordadbeh Accedunt exceptae Kitāb Al-Kharāj by Qudāma Ibn Ja'far*, Edited and translated by M.J.de Goeje, reprinted by Fuat Sezgin, Institute for the History of Arabic-Islamic Science at tge Johann Wolfgang Geothe University Frankfurt anm Main.
- Kuwabara, Jitsuzo (1922), *Bu Juko no jiseki {Pu Shougengs achievement}*, Tokyo, Heibonsha.
- Lieu, Samuel N.C. (1992), *Manichaeism in the LAte Roman Empire and Medieval China*, Tubingen.
- Liu Yingsheng (2010), "A Lingua Franca along the Silk Road: Persian Language in China between the 14th and the 16th Centuries", in Ralph Kauz ed., *Aspects of the Maritime Silk Road: from the Persian Gulf to the East China Sea*, Wiesbaden, Harrassowitz Verlag.
- Nu'er (1983), *yang zhou yi si lan jiao bei wen xin zheng, hai jiao shi yan jiu*.5/15.105-109.
- Park, Hyunhee (2012), *Mapping the Chinese and Islamic World*, Cambridge University Press.
- Pelliot (1959), *Notes on Marco Polo*, Paris, Imprimer Nationale.
- Qing Chen (2015), *Mosque of the Maritime Muslim Community of China a study of the Mosques in the South and southeast coastal regions of China*, Department of History of Art and Archaeology

School of Oriental and African Studies. University of London (Thesis submitted for the degree of PhD).

Zhou Yunzhong(2017), "the study of inscription of the tomb of limohulu the Persian in the Yangzhou at Tang dynasty", *Wenbo*, Vol No.6, 69-72.

Yao Jide (2008), *Iranian Studies in China*, Yinchuan, ning xia ren min chubanshe.

姚继德 (2008), 《中国伊朗学论文集》，银川：宁夏人民出版社。

陈达生 (1983), 《扬州伊斯兰教碑文新证》，刊于《海交史研究》第 5 期。

陈达生 (1984), 《泉州伊斯兰教石刻》，宁夏人民出版社，福建人民出版社。